



حسین علیه السلام را هم اگر نمی شناسی،

بشتاب!

که او تو را می شناسد...



ویژه نامه محرم



مجلس ششم:

تقدیم به آستان مقدس حضرت قائم (هج)



عصر این جمعه ای دلگیر وجود تو کنار دل هر بی دل آشفته شود
حس، تو کجایی گل نرگس؟ به فدای نخ آن شال سیاهت به فدای
رخت ای ماه! بیا صاحب این بیرق و این پرچم و این مجلس و این
روضه و این بزم تویی، آجرک الله! به خدا در هوس دیدن شش
گوشه دلم تاب ندارد، نگهم خواب ندارد، قلمم گوشه ای دفتر غزل
ندارد، همه گویند به انگشت اشاره مگر این عاشق بیچاره ای دل -
داده ای دلسوخته ارباب ندارد؟... تو کجایی؟ شده ام باز هوایی...
شده ام باز هوایی...
قسمت می دهم آقا به همین روضه که در مجلس ما نیز بیایی. تو
کجایی؟... تو کجایی؟...

همه لطف هیئت به منبره...
شعور در شور...



همه ای شما شنیده اید که امام حسین (ع) شب عاشورا که همه اصحاب جمع بودند خطبه خواند. فرمایشی که حضرت در آن خطبه داشت این بود که اینهایی که می بینید چندین هزار و چندین ده هزار آمده اند، با شما کاری ندارند؛ اینها من را می خواهند. حتی در یک مقتل دیده ام که امام حسین (ع) فرمود که اینها اگر من را روی هوا هم ببینند، طلب می کنند و می گیرند و با شما کاری ندارند. بنابراین حتی استثنا هم نکرد، هم اصحابش را خطاب کرد و هم خویشاوندانش را و گفت این شب را برای خودتان مثل یک شتر راهوار در خدمت بگیرید و هر کدام دست یکی از اهل بیت را بگیرید و بروید؛ هر که می خواهد برود، برود. در بعضی مقاتل هست که حضرت فرمود من بیعتم را از شما برداشتم. یعنی یک وقت شما در این ملاحظه گرفتار نشوید که بگویید ما با این آقا یک پیمانی بسته ایم و این پیمان شما را در رودر بایستی قرار دهد. من آن بیعت و پیمان را از شما برداشتم.
آن روایت معروف هم هست که حضرت سکینه فرمود بعد از اینکه پدرم این خطبه را خواند، دیدم اینها ده تا ده تا، بیست تا بیست تا، همین طور دارند می روند. یعنی اینها برای کمک به اقامه ای حق و دفع باطل نیامده بودند.
خوب، پس چه کسانی باقی ماندند؟ فقط آن کسی تا آخر با حضرت باقی می ماند که تشخیص داده است و وظیفه ای خودش می داند و عقلش می گوید که این حق است و این حق باید حمایت شود و آن باطل است و باید از بین برود. لذا حضرت می گوید اگر می مانی، برای اقامه ای حق و ابطال بمان؛ نه برای پیمانی که با من بستی. این پیمان ها به درد نمی خورد. بله، اگر آن پیمانی که با من بستی بر این محور بود که من حق هستم، از آن پیمان نباید دست برداری. بنابراین کسانی که دنبال نهی از منکر و امانه ای باطل و اقامه ای حق بودند، ایستادند و ماندند.

برگرفته از کتاب: سلوک عاشورایی
(منزل اول- تعاون و همیاری) اثر:
حضرت آیت الله العظمی حاج آقا
مجتبی تهرانی (رحمه الله علیه)

انتقادات و پیشنهادات خود را به
آدرس زیر ارسال نمایید:
sangareasemani.110@gmail.com

قیاس بن حسن

پیش او شور شهادت ز عسل شیرین تر...
افتادم از پشت فرس... عمو به فریادم برس...

این چه غمی است نهفته در نام تو که بی اختیار دل ها را
می شکند و اشک را در پشت پلک ها بی قرار می کند و آسمان
چشم را بارانی؟
این گریه دست ما نیست...
اختیار اشک در این مصیبت با ما نیست...
ما برای ثواب گریه نمی کنیم...
چه کسی می تواند برای ثواب گریه کند؟
گریه کردن بال بسته می خواهد...
دل شکسته می طلبد...
ما دق می کنیم اگر برای تو گریه نکنیم...
یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما...
بس که نالیدم دلم شش گوشه شد...
این شبا خیلی برا ظهور مولا دعا کنید... یا حسین...



سکینه

اثر: محمدرضا رنجبر



درخت

درخت سبز هر کجا که باشد به محض آمدن یک نسیم یا باد،
انعطاف نشان داده و خم و راست می شود.

انسان هم همینطور است، اگر زنده باشد و حیات داشته باشد،
به محض اینکه اذان بشنود و وقت نماز برسد انعطاف نشان
داده و به نماز در می آید و خم و راست شده و رکوع و سجود
می کند.

وسط معرکه جنگ در روز عاشورا همین که وقت نماز فرا
رسید، حضرت فرمود:

از آنها درخواست کنید تا اجازه نماز بدهند.

و این خیلی عجیب است و خدا می داند که در این نماز چه
نهفته است که سیدالشهدا هم شب عاشورا و هم روز عاشورا
به دشمن رو می اندازد و اجازه نماز می خواهد.

در محضر امام خامنه ای (مدظله العالی)



این که مدح نشد!

انسان در این میدان برود، بجهی شیرخوارش هم باشد، زنش هم
باشد، ناموس اش هم باشد، همه ی اینها هم در معرض خطر قرار
بگیرند و پایش نلرزد؛ ارزش ابالفصل، ارزش حبیب بن مظاهر،
ارزش جون در اینهاست. نه در قد رشیدش یا بازوی پیچیده اش.
قد رشید که خیلی در دنیا هست؛ ورزشکارهای زیبایی اندام که
خیلی هستند؛ اینها که در معیار معنوی ارزش نیست. گاهی
روی این تعبیرها تکیه هم می شود! حالا یک وقت شاعری در
یک قصیده سی، چهل بیتی اشاره ای هم به جمال حضرت
ابالفصل می کند؛ آن یک حرفی است؛ ما نباید خیلی خشکی به
خرج دهیم و سخت گیری کنیم؛ اما این که ما همه اش بیاایم
روی ابروی کمائی و بینی قلمی و چشم خمار این بزرگواران
تکیه کنیم؛ این که مدح نشد؛ در مواردی هم ضرر دارد؛ در
فضاهایی این کار خوب نیست.

کل ارض کربلا،

همه جا میهمان حسینیم...

همه...

کربلای جبهه ما یادش بخیر...

برای شادی روح شهدای گمنام صلوات



هوینت حسینی

داشتیم پیکر شهدامون رو با کشته های بعثی تبادل می کردیم
که ژنرال «حسن الدوری» رئیس کمیته رفات ارتش عراق
گفت: «چند تا شهید هم ما پیدا کردیم، تحویلتون می دیم تا به
فهرستتون اضافه کنید.»
یکی از شهدایی که عراقی ها پیدا کرده بودند، پلاک نداشت.
سردار باقرزاده پرسید: «از کجا می گید این شهید ایرانیه؟ این
که هیچ مدرکی برای شناسایی نداره!»
ژنرال بعثی گفت: با این شهید یه پارچه قرمز رنگ پیدا کردیم
که روش نوشته شده «یا حسین شهید». فهمیدیم ایرانیه...